

آثار منفی تنبیه بدنی کودک

□ معصومه نبی زاده *

چکیده

انسان آینده خویش را در وجود فرزندان می بیند و بدین جهت تمام تلاشش را به کار می بندد تا فرزندش را به بهترین وجه تربیت نموده و به جامعه تحویل دهد. برخی از والدین برای رسیدن به چنین هدفی، گاه از تنبیه بدنی استفاده می نمایند و گمان می برند با این کار، وظیفه تربیت سالم کودک را انجام می دهند، در صورتی که اگر والدین، مرییان و دلسوزان کودک، از آثار زیانبار تنبیه کودک آگاهی داشته باشند و بدانند که تنبیه کودک مسکن است نه درمان سوء تربیت کودک، یقیناً نوع برخوردشان با کودک متفاوت بوده و روش های دیگری را جایگزین آن خواهد نمود.

تنبیه کودک ممکن است در قالب های مختلف صورت پذیرد، در این مقاله تنبیه بدنی و برخی از مهمترین آثار منفی آن بر روی کودک با روش تحلیلی-توصیفی به اختصار توضیح داده شده است، در نهایت فاکتورهای همچون: کینه توزی، دروغگویی، اضطراب، پرخاشگری، زورگویی، عدم اعتماد به نفس، افت تحصیلی و... از آثار تنبیه بدنی کودکان شمرده شده است.

واژگان کلیدی: کودک، والدین، تنبیه، تنبیه بدنی، تربیت، تشویق

مقدمه

از مهمترین دغدغه های اصلي والدين، مربيان، معلمان، برنامه ريزان درسي و آموزشي، پرورش سالم فرزندان و موفقيت دانش آموزان مي باشد. در اين ميان تنبيه يکي از روش هاي تربيتي است که قابل دسترس همگان است. هرچند اين روش در شرايط امروزي کمرنگ شده است، اما در زمان هاي نه چندان دور، به صورت نسبتاً گسترده استفاده مي شد و بسياري از عهده داران تربيت کودک معتقد بودند که تنبيه وسيله اي مناسب باز پروري و اصلاح برخي کودکان مي باشد. سؤال اصلي اين است که آيا مبناي علمي و يا ديني که استفاده از تنبيه در پرورش مربي را اجازه بدهد وجود دارد؟ تنبيه بدني چه اثرات مثبت يا منفي را به دنبال خواهد داشته؟

در مقاله حاضر تلاش گرديده، سؤالات مذکور با توجه به آيات و روايات، حقوق اسلامي و نيز نظريات تربيتي و روان شناسي پاسخ داده شود.

در برخي از روايات از زدن کودک نهي نموده و به جاي آن راهکار ديگري براي تربيت توصيه شده است. مردی حضور امام کاظم (ع) رسيد و از فرزند خود شکايت کرد. حضرت فرمود او را زن با او قهر کن اما اين کارت طولاني نشود «شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ابْنًا لِي فَقَالَ لَا تَضْرِبْهُ وَ اهْجُرْهُ وَلَا تُطْلُ»؛ فرزندت را زن و براي ادب کردنش با او قهر کن؛ ولي مواظب باش قهرت طول نکشد و هرچه زود تر آشتی کن» (حلی، ۱۴۰۷: ۸۹)

صريح اين روايت از تنبيه بدني منع مي کند. البته اين روايت تنبيه رواني را به طور مشروط (قهر موقتي) اجازه مي دهد.

اين مسأله قابل توجه است که در کتب روايي، احاديث بي شماري درباره محبت به کودکان وجود دارند که اگر بخواهيم آنها را با رواياتي که در باره تنبيه کودکان مي باشند مقايسه نماييم، روايات تنبيه کودکان بسيار اندک است.

چنانکه یک از نويسندگان بيان داشته اند: «در زمينه تنبيه نسبت به تشويق روايات بسيار کمی در متون ديني آمده است براي نمونه؛ در روايتي که امام صادق (ع) از پيامبر (ص) نقل مي کند که آن حضرت (ص) فرمود: «وَلَا تَسَبَّ هُوَ لَا تَضْرِبْ هُوَ لَا تُسَيِّئْ إِلَيْهِ» به فرزندت ناسزا نگو

و وزن و نسبت به ایشان بدی نکن» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۹/۴)

پس در شرایط عادی طبق روایات و نیز بر اساس اصول کرامت انسانی، تشویق، عفو و مدارا و سیره پیامبران نمی‌توانیم مجوز استفاده از تنبیه (اعم از تنبیه بدنی، روحی و روانی) را به دست آورد، البته در برخی موارد خاص با رعایت شرایط و رعایت آداب، می‌توان مجوز محدود تنبیه را به دست آورد.

مطلب مهمی که در این باره راهگشا به نظر می‌رسد، سیره عملی معصومان(ع) در استفاده نکردن از تنبیه بدنی است؛ اگر چه ممکن است برخی روایات دال بر تنبیه بدنی در حد خاصی باشند، اما در سیره معصومان(ع) هرگز از این روش استفاده نشده است (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۵۴).

در باره اصل استفاده از تنبیه، برخی حقوق دانان معتقدند که قانون‌گذار نمی‌تواند حدود اختیارات والدین را به دقت مشخص کند و به ناچار باید از عرف کمک بگیرد. همچنین ایشان انگیزه تادیب را یکی از شرایط لازم و ضروری برای مجاز بودن استفاده از تنبیه می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۵۴/۲).

از نظر فقهی نیز فقهایی که به جواز استفاده از تنبیه بدنی فتوا داده‌اند، بر این مسأله تأکید کرده‌اند که تنبیه باید به حدی باشد که مستلزم پرداخت دیه نباشد. می‌دانیم حداقل میزانی که دیه در پی دارد؛ سرخ شدن پوست است (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۵۴).

خشونت با کودکان به دلیل آسیب‌پذیری و ناتوانی آنان در دفاع از خویش بیشتر است و پیامدهای آن نیز با توجه به اهمیت دوران کودکی در رشد و پرورش آنها زیان‌بارتر خواهد بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

بسیاری از والدین تنبیهات بدنی را برای تربیت کودکان مفید و لازم می‌دانند. این فکر در بین دبیران و آموزگاران نیز طرفداران فراوانی دارد. در بین مردم معروف است که: «تا نباشد چوب‌تر، فرمان نبرند گاو خر». این عقیده در زمان‌های قدیم طرفداران فراوانی داشت و تقریباً معمول بود. یکی از لوازم حتمی مدارس، چوب و فلک و زنجیر و شلاق بود. پدران و مادرانی که به تربیت فرزندان خویش علاقه داشتند از زدن آنان کوتاهی نمی‌کردند. اما

دانشمندان مخصوصاً روان شناسان کودک، این برنامه را زیان بخش می شناسند و آن را قدغن می کنند. در کشورهای پیشرفته و متمدن جهان، تنبیهات بدنی تقریباً ممنوع است و در این باره قوانینی را تصویب و اجرا کرده اند. دانشمندان معتقدند: تنبیهات بدنی بچه را اصلاح نمی کند، ممکن است به حسب ظاهر تأثیر مختصری داشته باشد، اما ضررهای غیر قابل جبرانی را در پی دارد (امینی، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

(۱) مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم کودک

شاید در نگاه نخست، تعریف کودک بسیار آسان جلوه کند و گفته شود تعریف واژه کودک از بدیهیات بوده و مصادیق آن واضح است؛ اما بر عکس، ارائه تعریفی که بتواند تمامی جنبه های حیات اجتماعی و به ویژه حقوقی کودکان را در بر بگیرد، به هیچ وجه آسان نیست؛ و به عبارت دیگر، ارائه سن معینی برای دوران کودکی چندان ساده نیست و معیار واحد سنی در مورد کودک وجود ندارد (حسینی خواه، ۱۳۸۹: ۳۴).

مشهور فقهای امامیه سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ تمام قمری می دانند؛ قانون مدنی ایران به تبع از نظر مشهور سن قانونی و سن بلوغ را در پسر ۱۵ سال قمری تمام و در دختر ۹ سال تمام قمری مقرر نموده است.

۱-۲- مفهوم تنبیه

تنبیه مصدر باب تفعیل از ریشه «ن-ب-ه» است. این واژه ابتدا به معنای بیدارکردن به کار می رفت (ابن منظور ۱۴۱۴ق: ۵۴۶/۱۳). همچنین؛ تنبیه در لغت به معنای بیدار کردن، هوشیار ساختن، آگاه کردن کسی بر امری، واقف کردن، مجازات کردن، ادب کردن، و جمع آن تنبیهات است (عمید، ۱۳۷۶: ۳۲۴).

در اصطلاح، منظور از تنبیه آگاه ساختن فرد نسبت به نتایج رفتار نامطلوب می باشد، اما تنبیه به معنای عام آن مواجه شدن با تجارب ناخوش آیند است. هرنوع محرومیت عاطفی

و اجتماعی، هرگونه محدودیت شخصی، هرنوع معذوریت و محکومیت فردی، می تواند تنبیه تلقی شود (پرهیزگار، ۱۳۸۳: ۱۵۲). اما به مرور زمان و پس از ورود به زبان فارسی، افزون بر کاربرد در معنای بیدارکردن، معنای هوشیار کردن و آگاه کردن پس از غفلت را نیز به خود گرفته است. سپس در کاربرد مجازی و در عرف عام، چوب زدن یا کتک زدن، سیاست کردن کوتاه اندیشان و تأدیب و گوشمالی را نیز تنبیه گفته اند (همتی، ۱۳۹۶: ۱۳).

مقصود از تنبیه بدنی کودک، کیفر دادن نیست، بلکه منظور این است که برای اصلاح و ادب آموزی، او را تحت فشار و محرک جسمی یا روانی قرار دهند تا رفتار ناپسند و نامطلوب را ترک کند. این نوع تنبیه شامل کتک و ضربه زدن با دست یا هر وسیله دیگری و نیز پرتاب کردن، فشردن، تکان دادن، سوزاندن، گاز گرفتن و نیز فشارهای روانی مانند زندانی کردن دشنام دادن و ... در بر می گردد (میر محمدی، ۱۳۹۳: ۳۰۶).

۳-۱- مفهوم تشویق

تشویق در لغت به معنای آرزومند کردن و به شوق افکندن، راغب ساختن، که جمع آن تشویقات است، آمده است. در اصطلاح نیز تشویق به معنای انجام کاری و ایجاد انگیزه در فرد برای ادامه انجام اعمال است. و تشویق یعنی آرزومند شدن و آرزومندی، یعنی کودک را امیدوار به عملی می کنیم که باعث جلب رضایت او برای اعمال آینده اش شود (پرهیزگار، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

۴-۱- مفهوم تربیت

تربیت در لغت به معنای نشو و نما دادن، و قیمتی ساختن است (معلوف، ۱۳۶۲: ۶۵). در زبان فارسی، تربیت مترادف با معنای پرورش به کار می رود. در اصطلاح: «پرورش به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه ی شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد های آنان است» (سیف، ۱۳۸۴: ۲۸).

۲) انواع تنبیه

تنبیه یک شوک جسمی یا روانی است که کودک را از خواب غفلت بیدار می کند و از عواقب کارش به او هشدار می دهد، با اینکه تنبیه انواع مختلف دارد مانند: تغافل، تذکر غیر مستقیم، تذکر مستقیم، اخطار، سرزنش، قهر کردن، محروم کردن، جریمه کردن، جبران کردن تنبیه بدنی و... ممکن است در قالب-های مختلف و با زاویه دید هر رشته؛ قابلیت دسته بندی داشته باشد؛ اما با توجه زاویه مورد بحث در این مقاله، در یک دسته بندی کلان می توان به تنبیه بدنی و غیر بدنی تقسیم نمود و در نهایت اثرات تنبیه بدنی را مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲- تنبیه بدنی

تنبیه بدنی، به محرك هاي تنبيه كننده نخستين كه ذاتا خاصيت تنبيهی یا آزار دهنده دارند گفته می شود؛ مانند: ضربات چوب و شلاق که مستقیماً خاصیت آزارندگی جسمی دارد. با وجود اینکه تنبیه، آثار زیانبار برای فرد تنبیه شده دارد چرا برخی معلمان و مربیان از عامل تنبیه برای تربیت استفاده می کنند؟ روان شناسان دو توجیه را یافتند که هر دو توجیه نمی توانند مجوز استفاده از تنبیه را باشند.

یک؛ کسانی که از تنبیه استفاده می کنند از کودکی آموخته اند که در برخورد با دیگران به داد و فریاد یا کتک زدن متوسل بشوند به ویژه زمانی که طرف شان از لحاظ جسمی از خود شان ضعیف تر است.

دو؛ تنبیه سریعاً رفتار تنبیه شده را متوقف می سازد و این پیامد سبب تقویت شخص تنبیه کننده می شود، درحالی که روشهای مثبت پس از گذشت يك مدت زمان، و آن هم تدریجاً رفتار را کاهش می دهند، و این کار نیاز به صبر و شکیبایی دارد که معمولاً از کسانی که تنبیه را ترجیح می دهند ساخته نیست (سیف، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

پرواضح است که تنبیه بدنی، در صورت استفاده افراطی و حساب نشده آخرین و بی اثر ترین نوع آگاهی دادن است که قطعاً آثار زیان بخش جسمی و روانی زیادی بر آن مترتب

است (افشاری، ۱۳۸۵: ۳۳). علی رغم افزایش آگاهی از خطرات تنبیه جسمی، استفاده از آن به طور شایع به عنوان یک روش پذیرفته شده و در بعضی موارد ضروری برای کودک ادامه دارد (تمنایی، سلامی، دشتبان زاده، ۱۳۹۰: ۸۹).

هر نوع عملی که به تمامیت جسمی کودک آسیب رساند، این عمل از نظر شدت و ضعف، کمیت و کیفیت درجات متفاوت و مصادیق متعدد دارد، برخی مصادیق آن؛ کتک زدن بادرست و مشت به صورت و بدن کودک، زدن با وسایل مختلف مانند چوب، شلاق کمر بند، کفش، خط کش، و... اکثر تنبیه های بدنی مصداق از رفتارهای غیر انسانی و بر خلاف کرامت انسانی و تمامیت جسمانی کودکان است (اکبری، ۱۳۹۲: ۶۵).

۲-۲- تنبیه غیر بدنی

تنبیه روحی یا روانی، به محرك هاي تنبيه كننده ثانوی (شرطي) گفته می شود. محرك هایی که در ابتدا خاصیت تنبیه کنندگی نداشته اند اما در اثر مجاورت با محرکهای تنبیه کننده نخستین، خاصیت تنبیه کنندگی پیدا کرده اند؛ مانند: داد زدن، توهین کردن، اخم کردن، نظایر آن (سیف، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

۳) مهمترین آثار منفی تنبیه کودک

یکی از رویکردهای معروف روان شناسی رویکرد رفتاری است آنان به امور درونی نظیر اضطراب، سایقه‌ها، انگیزه ها، نیازهای روانی، مکانیسم های دفاعی نپرداختند، در باره انسان معتقدند که شخصیت چیزی بیش از انباشته ای از پاسخهای آموخته در برابر محرکها، مجموعه از رفتارهای آشکار یا سیستمهای عادی نیست. بی اف اسکینر که در بین روان شناسان بیشترین تحقیق در زمینه تنبیه و پیامدهای آن کرده است می گوید: «رفتار افراد باید به سوي آن نوع جامعه ای که که بالاترین شانس بقا را فراهم می آورد هدایت شود.» طبق برداشت آنان، هدف از تربیت پرورش انسان برای سازگاری و بقاء است، استفاده از روش تنبیه برای رسیدن به این مقصود است (دو آن، ۱۳۸۴: ۴۵۵-۴۷۹).

کارشناسان تعلیم و تربیت برای تنبیه بدنی آثار مخربی فروانی را ذکر کرده اند که هریک

از آنها به تنهایی می تواند تأثیری بسزا در روحیه و شخصیت آینده کودک داشته باشند و آگاهی از اثرات مخرب می تواند انگیزه ای باشد که والدین به هر بهانه ای تنبیه بدنی را برای کودک خود به کار نبرند.

متأسفانه حتی با پیشرفت علم و سطح تحصیلات والدین همچنان شاهد تنبیه بدنی کودکان توسط پدران و مادران هستیم. تنبیه بدنی کودک لزوماً این معنی را ندارد که والدین فرزند خود را دوست ندارند، بلکه به دلیل صبر و حوصله کم و مشکلات مختلف زندگی گاهی کنترل خود را از دست داده و دست به تنبیه بدنی کودک میزنند.

کودکان چیزهای زیادی از طبیعت و آدم‌های پیرامون خود یاد می گیرند اما باز هم پدر و مادر مهم ترین الگوهای زندگی آن ها میباشند! امروزه والدین آن قدر مشغله کاری دارند که فرصت ندارند وقت خود را با فرزندان شان بگذرانند. وقتی پدر یا مادر خسته از سرکار به منزل باز میگردد و می بیند فرزندش هنوز تکالیف مدرسه اش را انجام نداده، عصبانی میشود و به شیوه های انضباطی مثل فریاد کشیدن و کتک زدن او متوسل می شود. اینکار، غلط و ناجوانمردانه هست.

در این قسمت از تحقیق، به برخی از اثرات مهم و مخرب تنبیه بدنی کودکان پرداخته می شود، امید می رود با شناخت این آثار، دیگر هیچ کودک بیگناهی از سوی هیچ کس و به هیچ بهانه مورد تنبیه قرار نگیرد.

۱-۳- اضطراب

تنبیه بدنی باعث می شود کودک همواره مضطرب باشد؛ زیرا احساس می کند بر اثر رفتاری مشابه، دوباره به ویژه در حضور دیگران تنبیه خواهد شد. این اضطراب در کارکرد های او اثر منفی گذاشته، مانع از رشد و پیشرفت او می شود؛ همچنین اضطراب ریشه بسیاری از اختلال های روانی است و زمینه بروز آنها را در فرد افزایش می دهد. ضریب هوشی در کودکان کتک خورده کاهش بارزی در مقایسه با گروه کنترل داشت و از نظر تحصیلی نیز آزار دیدگان عقب تر از سایر کودکان بودند. کودکان آزار دیده در تکلم ضعیفتر و

دارای شخصیتی محتاط بودند و به طور متوسط ۵۵ درصد آنان به نوعی دارای شخصیت نابهنجار و ضد اجتماعی هستند. اعتماد به نفس پایین و افسردگی نیز در آن ها به چشم می خورد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۰: ۲۲).

نتیجه اضطراب ناشی از تنبیه، سلب آرامش و قرار کودک و عدم توان در کار و تلاش اوست. در چنین صورتی کودک رفتاری ناسازگارانه خواهد داشت. این نابسامانی های روانی اثرات ناگواری بر زندگی کودک داشته و آینده او را دچار اختلال می کند. کودکی که به دلیل عدم موفقیت یا توانایی در انجام کاری، با خشم و عصبانیت مورد تنبیه و سرزنش قرار می گیرد، از انجام دادن آن کار برای بار دوم دچار ترس و نگرانی می شود، بنابر این سعی می کند که آن کار را دیگر تجربه نکند. وی به زودی درمی یابد که عمل نکردن راحت تر و مطمئن تر از عمل کردن است. و بدین ترتیب از تمرین؛ تکرار تجربه و اقدام دوباره در کارها سر باز می زند. به همین دلیل ترس کودکی از تمرین و تکرار باعث می شود که در انجام وظایف و اعمال خود ناتوان شود و عاقبت خود را انسانی بی لیاقت تصور کند (مجوی، ۱۳۸۱: ۴۶-۵۲).

کودکان افسرده به لحاظ پایین بودن سطح توجه، اغلب قادر به درس خواندن نیستند. یادگیری آنها کند می شود و علاقه ای به درس و مدرسه نشان نمی دهند. افت تحصیلی برای آنها پیش می آید و حتی برخی از آنان پس از چند روز تعطیلی، از به مدرسه رفتن ابراز بی علاقه می کنند. به تدریج این فقدان تمایل، به ترس از مدرسه تبدیل می شود (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۳).

۲-۳- از بین بردن اعتماد به نفس

تنبیه به هر صورتی و از هر مقامی و با هر انگیزه ای اجرا گردد، رنج روحی و جسمی در پی دارد و اگر به صورت غیر اصولی و افراط آمیز اجرا گردد، زیان های فراوان رفتاری و شخصیتی بر جای می گذارد.

یکی از سرمایه های مفید زندگی هر انسان «خود باوری» است و منظور از آن این است

که فرد به توانایی‌ها و خصلت‌های خوب و مهارت‌های خود اعتماد نماید و گرفتار خود کم بینی نگردد؛ عوامل گوناگونی در پدید آمدن این خصلت دخالت دارد که مهمتر از همه؛ تنبیه‌های شدید جسمی و روحی است و بر اثر آن فرد از خود و توانایی‌های خویش بیگانه می‌گردد (رحمانی یزدی، ۱۳۸۱: ۲۴۴/۱).

اعتماد به نفس (self confidence) از فاکتورهای مهمی است که از بین رفتن آن میتواند آینده کودک را تیره سازد. کودک وقتی که با هر عمل خود باز خوردی مثل کتک زدن را ببیند به تدریج قدرت اظهار وجود را از دست خواهد داد. در ادامه زندگی به تدریج می‌آموزد که هیچ اهمیتی برای اطرافیان ندارد و اصولاً تاثیری در جامعه خود ندارند.

تنبیه چه به صورت بدنی و چه روانی مانند سرزنش و عتاب تحقیر و... باعث شکسته و خرد شدن شخصیت می‌شود و آنها را به سوی خمودی و انزوا و گاهی هم فساد شخصیت می‌کشاند (معصومی، ۱۳۹۰: ۴۴).

بر اساس روایتی از امیرالمومنین (ع) افرادی که شخصیت آنان خرد شده است امید هیچ خیری از آنها نیست. از شر چنین افرادی نمی‌توان در امان ماند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۲۷۵۸/۴).

بر اساس نظر بسیاری از روان‌پزشکان، حالات عصبی و رفتار ناسازگارانه بسیاری از کودکان در این رابطه قابل توجیه است و حتی اعمال انضباطی سخت در زندگی نیز همین آثار و عوامل را داراست (معصومی، ۱۳۹۰: ۴۴).

کودک در طول زمان به بزرگسالی تبدیل می‌شود که نه قدرت ارتباط سازی موثری را دارا می‌باشد و نه موفقیت خاصی در کارها و فعالیت‌های اجتماعی خود کسب می‌کند. در روانکاوی به این مسئله به صراحت اشاره می‌شود که تمام احساسات سرکوب شده در دوران کودکی به صورت کاملاً واضح و با قدرت در دوران بزرگسالی تاثیر می‌گذارد و به صورت بیماری‌های مختلف در فرد ظاهر می‌شوند. تنبیه و زدن کودک، حل مشکل را به او نمی‌آموزد. فقط به او می‌آموزد که احساس بدی نسبت به خود داشته باشد و عزت نفس او پایین بیاید عزت نفس پایین می‌تواند تا آخر عمر همراه آنها باشد (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

۳-۳- احساس حقارت

رفتار نسنجیده با کودک و تنبیه بدنی او، باعث به وجود آمدن احساس حقارت در کودک می شود که اغلب تا بزرگ سالی با او همراه خواهد بود. کودک یا نوجوانی که کتک می خورد شخصیتش تحقیر شده، به مرور زمان عزت نفس خود را از دست می دهد و به این باور می رسد که ارزشی ندارد؛ از این رو هرکار خلافی را به راحتی انجام می دهد. در روایات آمده است: «کسی که خودش را حقیر می پندارد، خود را از شر او در امان ندان» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵/۲۰۰). این کودکان از بازی ها و گردش های جمعی می هراسند و همیشه احساس می کنند دیگران از آنها بدشان می آید و توان مقایسه کردن استعداد های شان را با دیگران ندارند.

تنبیه بدنی کودک را ترسو و بزدل بار می آورد. کتک، شخصیت کودک را در هم می شکند و تعادل روحی او را برهم می زند و به عصبانیت و بیماری های روانی مبتلا می گردد (امینی، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

۳-۴- روحیه زورگویی

تنبیه بدنی به کودک می آموزد که می تواند دیگران را کتک زده و از این راه به خواسته هایش برسد؛ بنابر این او هم به ضعیف تر از خود (خواهر و برادر کوچک تر و همسالان) زور می گوید و آنان را کتک می زند. اگر می خواهید این اثر منفی را با تمام وجود حس کنید، رفتارش را با خواهر و برادر کوچک تر بنیگرید. او نیز دقیقا همان گونه که شما با او رفتار کرده اید؛ با آنان رفتار می کند و حتی همان الفاظی را که به کار می برد که شما برای خودش به کار می برید (دهنوی، ۱۳۸۵: ۹۳/۱-۹۴).

ممکن است تنبیه به طور موقت آرامش را برقرار کند و لی امکان دارد که قدرت عمل را از دست مربی خارج نماید. سرکشی و طغیان، بی اعتنایی به وظیفه، سردی روابط کودکان با مربیان و اعمال خشونت ها نسبت به دیگران نتیجه این تفکر است که چون تنبیه، اعمال زور و قدرت والدین است که مانع از آن درس بدی می گیریم (مجوزی، ۱۳۸۱: ۸۵).

کودکانی که بیش از حد تنبیه می گردند، ممکن است سر به طغیان نهند و به هیچ قانونی احترام نگذارند؛ از این رو مربیان سفارش می کنند که سعی کنید بین شما و فرزندان تان یک حالت احترام و حیا وجود داشته باشد و حرمت آنان را نشکنید و گرنه برای شما و خود شان احترامی قایل نخواهند شد و به سرعت به سوی بد رفتاری و خلاف و خشونت خواهند رفت (رحمانی یزدی، ۱۳۸۱: ۲۴۵/۱).

کودک با کتک خوردن عادت می کند که در برابر زور، بدون چون و چرا تسلیم گردد. و با این منطق خوبگیرد که زور و قلدری پیروز است، هر وقت عصبانی شدی بزنی و باکی نداشته باش. پدر و مادر با کتک، مقررات و حشیا نه جنگل را به فرزندان یاد می دهند (امینی، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

تنبیه بدنی به کودک یاد می دهد که می تواند دیگران را کتک زده و از این طریق به خواسته هایش برسد. از این پس او هم به ضعیف تر از خود زور می گوید و آنان را کتک می زند. تنبیه بدنی کودک؛ وی را به یک فرد مهاجم تبدیل می کند. تعداد زیادی از مطالعات نشان می دهد بین تنبیه بدنی کودکان و رفتار خشونت آمیز و پرخاشگری آنها در دوران بزرگسالی ارتباط وجود دارد. اکثر مجرمان افرادی می باشند که در دوران کودکی مورد ارباب و تنبیه بدنی واقع شده اند. این قانون طبیعت هست که کودکان از شیوه های تربیتی والدین، معلمان و بزرگترهای خود درس می گیرند.

۵-۳- دروغ گویی

دروغ گویی به اتفاق همه جوامع انسانی، از صفات مذموم است که یکی از علت های دروغ گویی کودکان، ترس از مجازات است. تنبیه بدنی سبب می شود کودک برای فرار از مجازات، به دروغ گویی متوسل شده به مرور زمان این رفتار در او تثبیت شود؛ از این رو چنانچه می خواهید کودکانی راستگو داشته باشید، باید به گونه ای باشید که اگر کودکان خطایی مرتکب شد، بتواند بدون هیچ ترس و واهمه ای با شما در میان بگذارد. تنبیه و خشونت بیجا؛ کودک را وادار به دروغ گویی می کند هنگامی که کودک متوجه می

شود در قبال خطا و رفتار نادرست خود تنبیه بدنی می شوند، به منظور فرار از تنبیه اقدام به دروغ گویی می کند. کودکان با هوش تر به دروغ گویی پناه می برند تا تایید والدین را از دست ندهند و از عواقب کار خود فرار کنند. تکرار این عمل باعث می شود به دروغ عادت کنند. دروغ گوئی یکی از صفات بسیار زشت و یکی از گناهان بزرگ است. تمام اقوام و ملل جهان، از دروغ گویی مذمت می کنند و صاحبش را پست و فرومایه می شمارند. شخص دروغ گونزد مردم اعتبار و آبرو ندارد، اسلام نیز این صفت زشت را مذمت نموده و آن را گناهی بزرگ و حرام شمرده است

همه پیامبران الهی و پیشوایان دینی، مردم را به راستگویی دعوت نموده اند. راستی یک امر طبیعی و فطری است و از نهاد انسان مایه می گیرد. همه کس راستی و راستگویی را دوست دارد و از دروغ گو بیزار است حتی شخص دروغ گو. تنبیه و خشونت و عوامل دیگر خارجی است که او را از فطرت خدادادی راستگویی منحرف ساخته و به دروغ گوئی می کشاند. کودکی که از فطرت اصلی اش منحرف گشت و به دروغ گوئی عادت کرد در بزرگی نیز ترک عادت برایش دشوار است و غالباً از آن دست بردار نخواهند بود. با کودکان، نباید با خشونت رفتار کرد زیرا طبیعت کودکان با خشونت و اجبار سازگاری ندارند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الولد للوالد ریحانة من الله قسمها بین عباده» در این روایت پیامبر کودکان را گل های تشبیه می نماید که خداوند آنها را به والدین شان هدیه کرده است. انتخاب تعبیر گل برای کودکان توسط نبی حکیم (ص) حاوی نکاتی است: گل نشاط آفرین است و الطافت خاصی برخوردار است، بنابر این در برخورد با آنان باید کمال لطافت را رعایت نمود و از برخورد های تند و خشونت های چون کتک زدن ترساندن و.... با آنان جای ندارد (اکبری، ۱۳۹۲: ۹۵).

۳-۶- افت تحصیلی و کاهش حافظه

یکی از پیامدهای مشترک کودک آزاری، احتمال وارد گردیدن آسیب جسمی است. بررسی ها نشان دادند که قربانیان کودک آزاری ممکن است دچار آسیب های عصبی و

عصب- روانشناختی گردد. در بیشتر موارد بد رفتاری با کودک، منجر به آسیب و ضایعات مغزی می گردد که آسیب به سیستم اعصاب مرکزی (نواحی مغز) ممکن است کودک را دچار مشکلات شناختی، ادراکی و رفتاری نماید. بسیاری از مشکلات رفتاری و شناختی کودکان ممکن است در اثر ضربه های وارد به سیستم اعصاب مرکزی آنان باشد. این مشکلات شناختی و عصبی ممکن است شامل: تکانشی بودن (رفتارهای ناگهانی و بی فکر، اعمال حساب نشده انجام دادن، شتاب زده و نسنجیده عمل کردن) اختلال کمبود توجه و ناتوانی یادگیری باشد (همیتون، گالوت، ۱۳۸۸: ۸۱).

کودک آزاری در کوتاه مدت علاوه بر این که بر رشد مغز تأثیر می گذارد، باعث اختلال در دستگاه عصبی و ایمنی می شود. این امر در نهایت منجر به اختلالات اجتماعی، احساسی، شناختی و رفتاری در کودک آزار دیده می شود. در بلند مدت نیز عوارضی کودک آزاری در تمایل فرد به انجام رفتارهای پرخطری مانند سوء مصرف مواد مخدر و فعالیت های جنسی زود هنگام (که برای سلامتی جسمی و روانی فرد مخرب است) ظاهر می شود. پی آمد نهایی این مشکلات، در بردارنده نگرانی و اختلالات افسردگی، اختلال در در انجام کارها، اختلال در حافظه و رفتار تهاجمی است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

تنبيه بدنى کودک را کند ذهن می کند، با تنبيه هورمونی بنام نورآدرلین درگیر می شود که این هورمون با استرس ناشی از آن ترکیب می شود و روی هیپوکامپ که مرکز یادگیری می باشد اثر می گذارد، در نتیجه تنبيه (IQ) فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. پژوهشگران طی انجام آزمایشاتی در این خصوص اطلاعات مربوط به سطح هوش ۸۰۶ خرد سال ۲ تا ۴ ساله و ۷۰۴ کودک ۵ تا ۹ ساله را ارزیابی کردند، محققان در این مطالعه بررسی کردند که این کودکان هرچند یک بار توسط والدین شان تنبيه می شوند و شدت تنبيه تا چه حد است. بعد از گذشت ۴ سال محققان بهره هوشی این کودکان را تحت نظر قرار دادند، بعد از انجام این بررسی ها محققان دریافتند کودکانی که در گروه جوان تر قرار داشتند در صورتی که تنبيه شوند میزان بهره هوشی آنها نسبت به کودکانی که تنبيه نشده اند پنج درجه کمتر است (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۲۰).

۷-۳- پرخاشگری

تنبيه های خشين و نامعقول و به کاربردن شرايط سخت و غير معقول انضباطی در مورد کودک یکی از مهمترين عوامل پرخاشگری کودک است ؛ زیرا تنبيه باعث ناکامی می شود، ناکامی یکی از مسائلی است که به پرخاشگری می انجامد. وقتی کودک به خاطر تنبيه به هدف خود دست نیابد و ناکام شود ، یکی از رفتار هایی که از او سر می زند پرخاشگری است. پرخاشگری یعنی نشان دادن واکنش خشونت آمیز در برابر محرک های بیرونی (تنبيه و...) از سوی دیگر خشونت همواره خشونت می آورد. کودکان، خشونت و پرخاشگری را از محیط شان می آموزند کودکان تحت تأثیر رفتار عملکرد و گفتار مادر و پدر ، راه و رسم اولیه ای زندگی را یاد می گیرند و مورد عمل قرار می دهند ، چرا که پدران و مادران چه بخواهند و چه نخواهند ، الگوی فرزندان خود می باشند (اکبری، ۱۳۹۲: ۹۲).

نتایج پژوهش نشان می دهند که تنبيه بدنی بیشتر توسط مادران سطح تحصیلات پایین تر و غير شاغل و در کودکان با رتبه تولد بالاتر انجام می شود. این امر می تواند به علت عدم آگاهی این مادران از اثرات سوء تنبيه بدنی، روش های تربیتی مناسب و طولانی بودن زمانی که مادران خانه دار با کودک می گذرانند، باشد. هم چنین نتایج نشان می داد کودکانی که تنبيه می شدند میانگین نمره، مشکلات رفتاری چون پرخاشگری عملی ، پرخاشگری کلامی گوشه گیری به طور معنا داری بالاتر از میانگین نمره کودکانی است که توسط والدین تنبيه بدنی نمی شدند به طور معنی داری کمتر بود، هم چنین نتایج نشان داد در میان کودکان که توسط یکی از والدین تنبيه بدنی می شدند، مادران بیشتر از پدران کودکان را تنبيه کرده بودند (تمنایی، سلامی دشتبان زاده، ۱۳۹۰: ۹۴).

رسول اکرم (ص) در این باره فرموده است: « عَلِّمُوا وَ لَا تَعْنَفُوا فَإِنَّ الْمَعْلَمَ خَيْرٌ مِنَ الْمَعْنَفِ. » (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۵۶۸). تعلیم دهید و خشونت نکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است.

از کودکان کتک خورده و بی اراده بعدا یا آدم های شول و ول و هیچ کاره به وجود می آید یا آدم های قلدری که در تمام زندگی به خاطر کودکی افسرده شان انتقام جویی باقی می

مانند (محمد زاده، بی تا: ۲۸۵).

۸-۳- کینه توزی و لجبازی

یکی از آسیب های تنبیه نادرست این است که فرد تنبیه شونده نسبت به تنبیه کننده حالت دشمنی و کینه توزی به خود می گیرد و در صدد انتقام بر می آید. تنبیه غیر منطقی در کودک عقده ای نسبت به تنبیه کننده ایجاد می کند و حالت طغیان و سرکشی در برابر او ایجاد می کند. احساس ناخوش آیند حاصل از تنبیه بدنی بیجا، هنگام تنبیه شدن به وسیله ی شرطی شدن، با شرایط تنبیهی شخص یا اشخاص تنبیه کننده تداعی می شود و به انزجار و نفرت تنبیه شونده از تنبیه کننده می انجامد. حتی اگر تنبیه شونده بداند که تنبیه به خیر و صلاح اوست و تنبیه کننده از روی دلسوزی او را تنبیه می کند، بازهم احساس نا مطلوب حاصل از تنبیه، به صورت پاسخ شرطی در می آید و شخص تنبیه شونده نسبت به تنبیه کننده احساس انزجار می کند و به انزجار تنبیه شونده از تنبیه کننده دامن می زند (سیف، ۱۳۸۴: ۵۷۷).

در حدیثی امام علی فرمود: «الْحَقْدُ نَارٌ لَا تُطْفَأُ إِلَّا بِالْظَّفَرِ [كَامِنَةٌ لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا مَوْتُ أَوْ ظَفَرٌ]» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۲۹۹). کینه، آتشی پنهان است که آن آتش را {چیزی} جز مرگ یا پیروزی بر رقیب خاموش نمی کند.

منظور از این روایت این است که اگر میخواهی دیگران کینه تو را به دل نداشته باشد با تنبیه و خشونت تخم کینه نپاشی. والدین و مربی نباید با تنبیه غیر منطقی و افراطی خود تخم کینه و کدورت و نفرت را در دل مربی یا اولاد خود بکارند و اگر نه به کودک و جامعه بشری ظلم کرده و به امانت که خداوند در اختیار او قرار داده است خیانت نموده است.

تنبیه، خشونت، سرزنش و توهین های پی در پی موج از خرد شدن شخصیت از بین رفتن حرمت و آبرو و در نتیجه موجب لجاحت و جبهه گیری می شود، نه تنها در او اثر مثبتی نمی گذارد که چه بسا ممکن است او را در پیمودن راه خلافی که در پیش گرفته جسورتر نماید. حضرت علی (ع) در وصیتش به امام حسن (ع) فرمود: «وَ الْإِفْرَاطُ فِي

الْمَلَامَةُ يَشُبُّ نِيرَانَ اللَّجَاجَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۱۲/۷۴) زیاده روی در سرزنش موجب بر افروخته شدن آتش لجاجت می شود؛ زیادی روی در ملامت و سرزنش آتش لجاجت را شعله ور می سازد و به آسانی مار نخواهد شد.

لجوج ها همیشه بدترین ها نیستند و بسیار اتفاق می افتد که اینان در مقابل نکوهش شفقت آمیز و محبت تسلیم می شوند. چون انسان تشنه محبت است و کودکان نسبت به آن عطش بیشتری دارند و کانون گرم خانواده و آغوش پرمهر و محبت پدر و مادر می تواند این عطش را رفع کند (اکبری، ۱۳۹۲: ۹۱).

نتیجه

از مجموع آن چه درمورد آثار تنبیه کودک بیان گردید، می توان گفت: با این که تنبیه کودکان مخصوصاً در زمان های قدیم میان مردم و در تمام ملل امر شایع بوده، و امروزه کم رنگ شده و به نوعی فرزند سالاری در حال حاکم شدن است، با این وصف در مواردی والدین و یا مربی ناگزیر از تنبیه کودکان می باشند. با آنکه متخصصین علوم تربیتی معتقدند تنبیه حالت مسکین و اثر کوتاه مدت دارد اما در بلند مدت نه تنها مفید نیست بلکه آثار مخربی را در پی خواهد داشت.

تنبیه در قالب های مختلف ممکن است صورت پذیرد که در این تحقیق به برخی از مهمترین آثار منفی تنبیه بدنی کودک اشاره گردیده است، آثار زیان بار تنبیه بدنی کودک مانند: کینه توزی، دروغگویی، اضطراب، پرخاشگری، زورگویی، عدم اعتماد به نفس، لجاجت و ... به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف این است که به والدین، مربیان و دلسوزان کودک، آثار زیان بار تنبیه کودک اطلاعات داده شود که در این فرض یقیناً نوع برخورد شان با کودک متفاوت بوده و روش های دیگری را جایگزین تنبیه خواهد نمود.

کتابنامه

.....

فرآن کریم

- ال همپتون، رابرت، توماس پی، گالوت و همکاران، **خشونت خانواده پیشگیری و درمان**، ترجمه داود کربلائی محمد میگونی، تهران، انتشارات آفرینش، ۱۳۸۸.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت-لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- افشاری علی، **بررسی نقش و جایگاه تنبیه بدنی در آموزش و پرورش**، تهران، نش پیوند، ۱۳۸۵
- اکبری، اسحاق، **آسب شناسی روش تشویق و تنبیه در تربیت کودک** (تحقیق پایانی) جامعه المصطفی (ص) ۱۳۹۲.
- امینی، ابراهیم، تربیت، قم، نشر بوستان کتاب، چاپ هفتم، ۱۳۹۰
- پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحه** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ ش.
- پرهیزگار، علی اکبر، **تشویق و تنبیه کودکان**، قم، ۱۳۸۳.
- پیوندی، غلامرضا، **حقوق کودک**، تهران، سازمان انتشارات (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ۱۳۹۰.
- تمنائی، محمد رضا و همکاران، **پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده**، مجله: حقوق بشر، ج ۶ شماره ۲ پاییز و زمستان (دانشگاه مفید) ۱۳۹۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم** - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش.
- حسینی خواه، سید جواد، **تنبیه بدنی کودکان در نظام بین الملل حقوق بشر و فقه امامیه**؛ قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۹.
- حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، **عدة الداعي و نجاح الساعي**، بیروت - لبنان، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ه.ق.
- دوآن، شولتز، **نظریه های شخصیت**. یوسف کریمی و دیگران، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۸۴.
- دهنوی، حسین، **نسیم مهر**، قم؛ انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۵ چاپ ۱۶.

- رحمانی یزدی، علی جان، آسیب شناسی تربیت، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۱.
- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی (یادگیری و آموزش)، تهران، آگاه، ۱۳۸۴.
- سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه ها و روشها. تهران. دوران. ۱۳۸۴.
- ویرایش ۲. چاپ هفتم.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶ چاپ دهم.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، (حقوق خانواده)، تهران، سهامی انتشار، ۱۳۷۲، چاپ ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵، چهارم.
- گورا، گری، روانشناسی تجربی کودک، ترجمه تقی محمد زاده، بی جا؛ بی تا.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، احیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ق،
- مجوزی عبدالله، چرا تنبیه، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چ هفتم، ۱۳۸۱.
- مدنی قهفرخی، سعید؛ خشونت علیه کودکان در ایران، تهران انتشارات آشیان، چاپ اول ۱۳۹۰.
- معصومی، منیره، نقش تنبیه در کودک از منظر اسلام (پایان نامه کارشناسی) جامعه المصطفی (ص) ۱۳۹۰.
- معلوف، لوئیس، المنجد، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵
- میر محمدی، سید مصطفی و همکاران، حقوق کودک (مطالعه تطبیقی در اسلام و اسناد بین الملل) قم، دانشگاه مفید و unicef 1393.
- همتی، مجید، تنبیه آری یا خیر؟، قم، ۱۳۹۶، چاپ سوم.

